



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 16, Issue: 1
Spring & Summer
2025

Protecting the rights of stock market investors in the form of class action lawsuits

Mohammad Sadeghi[✉] | Sobhan Abbaspour

1. Corresponding Author; Department of Private Law, Mofid University- University Lecturer and Legal Consultant of Iran's Capital Market, Qom, Iran. Email: sadeqi67@gmail.com
2. Department of Private Law- University Lecturer and Attorney at law, Qom, Iran. Email: info@sabbaspour.ir

| Article Info | Abstract |
|--|---|
| <p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Received: 2024/08/12</p> <p>Received in revised form: 2024/01/17</p> <p>Accepted: 2025/02/13</p> <p>Published online: 2025/06/22</p> <hr/> <p>Keywords: <i>stock market, self-regulation organizations, investors' right, Collective lawsuit, legal representation, Arbitration board of securities and exchange.</i></p> | <p>Although the institutional features have identified the capital market as one of the potential fields for group lawsuits, there is no comprehensive approach to the possibility of enforcing the rights of investors in the capital market through a collective lawsuit. In the legal system of Iran, part of this uncertainty is caused by the provisions of the Civil Procedure Code, and the other part is due to the lack of clarity on the part of the capital market legislator. In addition to these, there are no well-established procedures regarding this matter. Regardless of these issues, the approaches of some countries and the existence of professional attributes, formalism in the activities of the securities market, support through the supervision of relevant authorities, the existence of judicial institutions, specialized prosecution and investigation, and the justifiability of objections to this establishment provide acceptable grounds to justify the protection of the rights of securities market investors in the form of a collective lawsuit. Also, necessities such as protecting the interests of small shareholders as consumers of the capital market, the possibility of combining civil responsibility with disciplinary or criminal responsibilities, and the approach to dealing with violations of laws and regulations are other elements that make class action a valuable and low-cost mechanism for protecting the rights of market beneficiaries—especially for fulfilling the goals specified in Article 2 of the Capital Market Law of the Islamic Republic of Iran.</p> |
| <p>How To Cite</p> | <p>Sadeghi, Mohammad; Abbaspour, Sobhan (2025). Protecting the rights of stock market investors in the form of class action lawsuits. <i>Comparative Law Review</i>, 16 (1), 241-262. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.380066.634659</p> |
| <p>DOI</p> | <p>10.22059/jcl.2025.380066.634659</p> |
| <p>Publisher</p> | <p>The University of Tehran Press</p> |





حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران بازار اوراق بهادار در قالب طرح دعوای جمعی

محمد صادقی^۱ | سبحان عباس پور^۲

۱. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق خصوصی دانشگاه مفید قم و مدرس دانشگاه، قم، ایران. رایانامه: sadeqi67@gmail.com
 ۲. گروه حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری، قم، ایران. رایانامه: info@sabbaspour.ir

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|--|--|
| <p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۲</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: بازار اوراق بهادار، تشکلهای خودانتظام، حقوق سرمایه‌گذاران، دعوای جمعی، نمایندگی قانونی، هیئت داورى بورس.</p> | <p>اگرچه ویژگی‌های نهادی و ساختاری، بورس و بازار اوراق بهادار را در شمار زمینه‌های مستعد برای برخورداری از قابلیت‌های دعوای گروهی قرار داده است، اما نسبت به استیفای حقوق سرمایه‌گذاران این بازار از طریق طرح دعوای جمعی رویکرد منجزی وجود ندارد. در کشورمان بخشی از این تردید ناشی از مقررات آیین دادرسی مدنی، و بخش دیگر ناشی از فقدان صراحت قانون‌گذار بازار سرمایه ایران ناظر به صلاحیت مقامات بازار (برخلاف بعضی کشورهای دیگر) است. رویه قضایی شکل‌گرفته‌ای نسبت به این موضوع وجود ندارد، اما موضع حقوقی برخی کشورها و وجود اوصاف حرفه‌ای، شکل‌گرایی در فعالیت‌های بازار اوراق بهادار و حمایت همراه با نظارت مراجع ذی‌ربط (اعم از نهاد ناظر یا تشکلهای خودانتظام)، وجود نهادهای دادرسی، تعقیب و رسیدگی اختصاصی و توجیه‌پذیری ایرادات وارد بر این تأسیس، ادله قابل قبولی را به‌دست می‌دهد تا علل موجهه حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران بازار اوراق بهادار در قالب دعوای جمعی باشد. همچنین، حمایت از منافع سهام‌داران خرد به‌مثابه مصرف‌کنندگان بازار، امکان جمع مسئولیت حقوقی با مسئولیت‌های انتظامی یا کیفری، از عناصر دیگری است که دعوای گروهی را تأسیسی ارزشمند برای حمایت از حقوق ذی‌نفعان بازار و تحقق بخشی از اهداف مصرح در ماده ۲ قانون بازار اوراق بهادار می‌نماید. طبیعتاً مطالبه سود سهام، خسارات ناشی از دست‌کاری بازار، خسارت‌های مربوط به عدم رعایت الزامات افشا و تأمین مالی خارج از تشریفات امره بورس و بازار اوراق بهادار، در عداد عناوین رایج در این راستا محسوب می‌شوند.</p> |
| استناد | صادقی، محمد؛ عباس پور، سبحان (۱۴۰۴). حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران بازار اوراق بهادار در قالب طرح دعوای جمعی. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۶ (۱)، ۲۶۲-۲۴۱. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.380066.634659 |
| DOI | 10.22059/jcl.2025.380066.634659 |
| ناشر | مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. |



۱. مقدمه

نظر به اینکه یکی از شاخص‌های مهم در حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران بازار اوراق بهادار، تسهیل مطالبه یا استیفای حقوق و سهولت اقامه دعوا علیه شرکت، مدیران و یا اشخاصی است که به نحوی باعث خسارت یا عدم ایفای تعهد شده‌اند، توجه به این نکته ضرورت می‌یابد که سازوکار حاکم بر رسیدگی به دعوای این حوزه باید پتانسیل همراهی و انطباق با الگوهای اختصاصی از قبیل طرح دعوای حرفه‌ای و تخصصی را دارا شود. از این رو و به شرحی که خواهد آمد، افزون بر امکان بهره‌مندی از مواهب و قابلیت‌های متصور بر نهاد دعوای جمعی که عبارت است از تسهیل دستیابی به عدالت، تحقق کارآمدی، کاهش هزینه‌های دادرسی، انطباق با سرعت رسیدگی و بازدارندگی ناشی از سازوکارهای آن (Mohseni, Ghafari Farsani & Shooshinasb, 2012: 162; Safari, Moludi & Haji Azizi, 2020: 104-107)، پیگیری و اقامه دعوی جمعی در بازارهای مالی - در عین حال - مستلزم در نظر داشتن جایگاه و نقش نهاد ناظر و تشکل‌های خودانتظام از جمله کانون‌هاست تا هریک از این نهادها حسب حوزه فعالیت یا صلاحیت خود، حمایت از سهام‌داران خرد و اعضای مربوط به این قالب را در نظر داشته، قابلیت‌های بیشتری را از طرح دعوای جمعی در دعوای بازار سرمایه نمایان سازند. همچنین، نظر به اینکه وفق ماده ۲ قانون بازار اوراق بهادار، حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های حقوقی سازمان بورس و اوراق بهادار است، تحلیل سازوکارهای دستیابی به این هدف مهم و موفقیت در اجرای این کارکرد از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا رویکرد مقاله، تحلیل و پیشنهاد سازوکار مطلوب و قانونمند برای عملیاتی نمودن این هدف مهم یعنی حمایت از حقوق سرمایه‌گذار از طریق اقامه دعوی جمعی است که تاکنون در منابع علمی مترتب بر بازار سرمایه کشور مدنظر قرار نگرفته و برخلاف منابع علمی موجود که نوعاً در بردارنده ترتب دعوای جمعی بر قواعد آیین دادرسی مدنی یا اختلافات حقوقی و دعوای راجع به مصرف‌کننده است، منحصرأ در صدد ارزیابی کارآمدی این تأسیس در حوزه بازار اوراق بهادار از منظر حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران بازار اوراق بهادار و سهام‌داران خرد خواهد بود. برای بررسی اوصاف و مزایای دعوای جمعی و کارکرد و ارتباط با آن در حفظ حقوق سرمایه‌گذار، در بحث نخست به مفهوم، ارکان و مزایای این دعوا و در بحث دوم، به قابلیت‌های بازار که زمینه و استعداد طرح دعوای جمعی را تمهید می‌نماید خواهیم پرداخت و در بحث پایانی زمینه‌های قانونی با تمرکز بر قوانین و مقررات حاکم بر بازار سرمایه و رویه‌های حقوقی تحلیل خواهند شد. نتیجه این مباحث، ارائه رویکردی مفهوم‌شناسانه از دعوای جمعی برای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران بازار اوراق بهادار و احصای بعضی مصادیق و عناوین آن خواهد بود.

۲. مفهوم، شرایط و مزایای دعوای جمعی

۱.۲. مفهوم دعوای جمعی

یکی از دسته‌بندی‌های دعوای از حیث نوع، تقسیم آنها به فردی و جمعی است. زمانی که اشخاص در موضوعی واحد بدون هرگونه وابستگی به مرجع یا سازمان یا جمعیت و گروهی به اقامه دعوا و تظلم‌خواهی می‌پردازند، درصدد یک دعوای فردی هستند. در مقابل، دعوای جمعی یا گروهی به دعوایی اطلاق می‌شود که سازمان، انجمن، اتحادیه یا هر نهادی که قانوناً یا وفق قرارداد، متولی، سرپرست یا حامی زیان‌دیدگان است، از سوی آحاد ذی‌نفعان، اعضای صنف یا گروه اقامه دعوا می‌نماید (Nahrini & Yousefzadeh, 2022: 66). نکته حائز اهمیت در این مقال آن است که مبنای دعوای فردی، اتکا بر حق فردی و مبنای دعوای جمعی، استناد و اعتقاد به حقوق فرافردی، منافع مشترک یا مشابه و سبب واحد در منشأ و موضوع دعواست. لذا در دعوای جمعی بیان هویت فردی تمام زیان‌دیدگان و ذی‌نفعان چندان ضرورت ندارد و اشاره‌ای کلی به وصف یا مشخصات آنها کفایت می‌کند. از این جهت، دو عنصر اصلی دعوای جمعی، یکی نیابت‌پذیری و دیگری وجود نماینده از ناحیه ذی‌نفعان است. البته دعوای جمعی با تجمیع دعوای یا رسیدگی‌های توأمان که سازوکارهای سنتی در آیین دادرسی مدنی دارد نیز متفاوت است، زیرا در سازوکارهای تجمیع دعوای (مواد ۱۷، ۶۵ و ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی) حتی پس از ادغام و لفّ پرونده‌ها، هر پرونده‌ای ماهیت مستقل خود را دارد؛ لکن در دعوای جمعی، ذی‌نفعان، در حکم کل واحدی هستند که در عین حال از حیث شخصیت، از سایرین مستقل و منفک بوده، منشأ (سبب) دعوای آنها نیز یکسان است. باید توجه کنیم که دعوای جمعی الزاماً ناشی از منفعت عمومی یا اشاعه و اشتراک نیست، بلکه منافع خصوصی با ذی‌نفعان متعدد می‌تواند دعوای جمعی را تشکیل دهد (Moludi, Haji Azizi & Safari, 2016: 276-278). از همین جهت، اگرچه در معنای خاص و اصطلاحی، دعوای جمعی دعوایی است که الزاماً با درخواست و ارجاع گروهی از زیان‌دیدگان و ذی‌نفعان به رکن یا مقام خاص تعقیب می‌شود، اما گزافه نیست که در معنای عام و به‌مثابه مصادیق سنتی چون منافع «عموم جامعه» و «جمعی از زیان‌دیدگان و بزه‌دیدگان» که به‌عهدۀ مدعی‌العموم (به‌عنوان مقام تعقیب یا خواهان) سپرده شده است، بتوان اقامه‌ای جمعی توصیف نمود؛ حتی در ایالات متحده آمریکا، دفتر دادستان کل، اتحادیه، ایالات، استان‌ها، فدرال، منطقه، شهرداری‌ها، نهادها یا سازمان‌های عمومی دولتی و سازمان‌های غیرانتفاعی در خصوص اهداف سازمانی خودشان می‌توانند دعوای جمعی اقامه کنند (Pourastad, 2017: 290). البته ظاهراً این موضوع در آموزه‌های فقه اسلامی نیز متصور بوده که نوعاً از طریق حسبه یا عدول مؤمنین قابل بحث و پیگیری است (Sadeghi & Abbaspour, 2021: 175-196-197) & 178 به هر حال، درخصوص مشمولان دعوای جمعی دو روش در آیین دادرسی مدنی

وجود دارد؛ در یک روش، تمامی اشخاصی که متحمل ضرر مشابه شوند، مشمول این گروه قرار می‌گیرند و به‌طور خودکار خواهان دعوا محسوب می‌شوند، مگر آنکه صریحاً از دعوا خارج شوند (روش خارج‌محور). اما در روش دیگر (نظام ورودمحور)، اصل بر عدم مشارکت ذی‌نفعان در دعوی جمعی است، مگر آنکه تقاضای التزام خود را رسماً اعلام نمایند تا وارد دادرسی شوند (Mohseni, Ghafari Farsani & Shooshinasb, 2012: 170-171; Amini & Shams Shemirani, 2023: 92; Higgins & Zuckerman, 2013: 3-4). در تبیین ماهیت دعوی جمعی، برخی آن را اجتماع حقوق انفرادی اشخاص زیان‌دیده توصیف نموده‌اند، اما برخی دیگر از حقوق‌دانان دعوی جمعی را متضمن منفعتی مستقل از اعضای گروه و متعلق به منفعت جدید گروهی دانسته‌اند. البته این اختلاف بیشتر ماهیت فلسفی داشته، می‌توان منشأ آن را در جدال میان فردگرایان و جمع‌گرایان مشاهده نمود و شاید اثر عملی خاصی بر آن مترتب نباشد؛ چراکه رأی دادگاه در هر صورت تجزیه‌ناپذیر است و له یا علیه کلیه خواهان‌ها و خوانده یا خواندگان حمل خواهد شد. البته در نظام‌های رومی-ژرمنی، دعاوی جمعی دشوارتر از نظام‌های کامن‌لا مورد استقبال و پذیرش قرار می‌گیرد، زیرا تفکر غالب حاکم در کشورهای تابع نظام رومی-ژرمنی اینست که حق امری است شخصی. حتی در نظام حقوقی ایران، در بیان ویژگی‌های نفع در دعوا تصریح می‌شود که نفع باید شخصی باشد؛ لذا پذیرش مقوله نفع گروهی در کامن‌لا آسان‌تر است (Moludi, Haji Azizi & Safari, 2016: 282-283). در مقابل کشورهای کامن‌لا که مصرف‌کنندگان و ذی‌نفعان به‌صورت شخصی قابلیت طرح دعوی جمعی را دارند، در نظام رومی-ژرمنی ترجیح داده می‌شود این نوع دعاوی عمدتاً از سوی انجمن‌های غیردولتی یا نهادهای حمایتی وابسته به دولت مطرح گردد (Mohseni, Ghafari Farsani & Shooshinasb, 2012: 166).

۲.۲. ارکان دعوی جمعی

الف) تعدد. جهت تشکیل دعوی جمعی، خواهان‌ها باید از حیث تعداد، حد نصاب حداقلی را داشته باشند؛ برای مثال، این تعدد در استرالیا ۷ نفر، در کانادا ۲ نفر و در برخی کشورها ۴۰ نفر است.

ب) اشتراک موضوع و سبب واحد. خواهان‌های دعوی جمعی باید مسئله و موضوع مشترکی در دعوا داشته باشند و به‌اصطلاح، جهات حکمی و موضوعی واحدی را به‌عنوان سبب دعوی خویش ارائه نمایند.

ج) هم‌راستا و مرتبط بودن. مقصود از این رکن آن است که دعوی نماینده ذی‌نفعان با دعوی سایر ذی‌نفعان در یک راستا و مرتبط باشد و تعارضی فی‌مابین ضرر شخصی نماینده خواهان‌ها و ضرر گروهی وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر، نماینده خواهان در اقامه ادله، صرفاً بر پیروزی ادله شخصی خویش تمرکز نداشته، اقامه دعوی جمعی و موفقیت آن را در نظر داشته باشد.

د) شایستگی نماینده. مقصود از این رکن، صلاحیت نماینده خواهان برای امانت‌داری و رعایت غبطه

و مصالح ذی‌نفعان (اعم از حاضر و غایب) است؛ چراکه از اسباب پذیرش خواسته دعوی جمعی آن است که دادگاه اطمینان حاصل کند که نماینده غبطه و جهات امانت یا صلاحیت راجع به غلبه مصالح شرکت را بر منافع فردی و شخصی رعایت می‌کند (Tahmasebi, 2014: 162-169).

۳.۲. مزایای دعاوی جمعی

علت روی‌آوری نظام‌های حقوقی به دعاوی جمعی (گروهی)، مزایای این نوع دعواست که عبارت است از:

۱- دعاوی جمعی به جهت تعدد ذی‌نفعان و متقاضیان، تأثیر مطلوب‌تری در فشار بر خواننده و حصول نتیجه و وصول مطالبات خواهد گذاشت. یکی از نویسندگان در این خصوص بیان نموده است: «در مطالعاتم به این نتیجه دست یافتم که شرکت‌ها پس از اقامه دعوی جمعی علیه آنها، سطح فعالیت‌های مفید و سودآورشان به نحو فزاینده‌ای افزایش و سطح تعهدات و دیون آنها به‌طور قابل‌توجهی کاهش می‌یابد» (Zang, 2007: 2).

۲- دعاوی جمعی از سوی یک مقام، رکن یا نهاد قانونی اقامه و حمایت می‌گردد. لذا برخورداری خواهان‌ها و زیان‌دیدگان از یک متولی که حفظ حقوق آحاد زیان‌دیدگان را یک‌جا مطالبه کند، در ایجاد آرامش، تثبیت حقانیت خواهان‌ها، کاستن از موانع شکلی و تقلیل هزینه‌های مالی یا زمانی مؤثر خواهد بود (Mohseni, Ghafari Farsani & Shooshinasb, 2012: 161-162).

۳- دعاوی جمعی مانع از تفرق پرونده در شعب گوناگون، تشتت آرا یا صدور آرای متعارض و متعارض می‌شود. به عبارتی، با رسیدگی یک‌جا به ادعای همه ذی‌نفعان در یک پرونده و تحت نظر شعبه و دادرسی واحد در خصوص آن موضوع، شاهد سرعت در تصمیم‌گیری و وحدت رویه قضایی خواهیم بود و کارآمدی بیشتری نیز حاصل خواهد شد (Kashani, 2012: 127).

۴- گستره زیان در برخی موارد (مانند سود سهام) ممکن است آن‌چنان قابل توجه نباشد که خواهان به‌طور مستقل برای مبلغی ناچیز اقامه دعوا کند و گاه هزینه‌های انتخاب و کیل و دستمزد کارشناسی و سایر متفرعات دعوا از مبلغ خواسته فراتر می‌رود. لذا خواهان انگیزه‌ای برای تعقیب حق خود ندارد، اما زمانی که ذی‌نفعان متعدد و کثیری مبالغ جزئی خود را در قالب یک دعوا تعقیب می‌کنند، آنگاه هم هزینه‌های تعقیب نسبت به ایشان تقسیم و بالطبع تقلیل می‌یابد و هم پرونده دارای ارزش پیگیری و دادرسی خواهد شد؛ زیرا قابلیت محکومیت خواننده با حضور خواهان‌های فراوان افزایش خواهد یافت (Nagy, 2019: 11; McGovern & Rubenstein, 2020: 1). در عین حال، این تأسیس باعث اهمیت‌دادن به حساسیت‌ها و مطالبات افکار عمومی و ملاحظات ذی‌نفعان شده، از مصادیق حمایت قانونی در ارائه خدمات حقوقی خواهد بود.

۵- در بسیاری اوقات طرح دعاوی جمعی علیه یک یا چند خواننده از یک یا چند صنعت یا صنف

سبب می‌شود قوانین و مقررات راجع به آن حوزه یا صنف، به نفع مصرف‌کنندگان یا زیان‌دیدگان یا در راستای اصلاح وضعیت موجود به‌منظور پیشگیری از رخدادهای مشابه تغییر یابد. برای مثال، طرح دعاوی جمعی متعدد علیه صنعت بیمه استرالیا، کمیسیون اصلاح قانون اساسی این کشور را مجاب نمود تا دولت را ملزم به اصلاحات اساسی در حوزه بیمه نماید (Morabito, 2019: 7).

۳. اوصاف و قابلیت‌های بازار اوراق بهادار مترتب بر تحقق دعاوی جمعی

در این بحث به اوصافی از بازار اوراق بهادار اشاره می‌کنیم که با قابلیت اقامه دعاوی جمعی ارتباط وثیق داشته، در تحقق آن اثرگذاری ویژه‌ای دارد. پیش از ورود به موارد مدنظر، شایان ذکر است منظور از دعاوی جمعی برای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران بازار اوراق بهادار عبارت است از دعوی که ناشی از اختلاف حقوقی با نهادهای مالی، ناشر یا سایر فعالان ذی‌ربط در بازار اوراق بهادار، در جهت احقاق حقوق خصوصی سهام‌داران خرد یا مصرف‌کنندگان این بازار مطرح شود.

۱.۳. حرفه‌ای، مشکل و خودانتظام بودن

با چشم‌پوشی از مواد ۲ تا ۷ قانون بازار اوراق بهادار که دلالت بر تشکیل‌گرایی و تکلیف قانونی در حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و رعایت نظم، عدالت و انصاف در بازار اوراق بهادار دارد، وفق بند ۶ ماده ۱ این قانون نیز تشکل خودانتظام تشکلی است که برای حسن انجام وظایفی که به‌موجب این قانون برعهده دارد و همچنین برای تنظیم فعالیت‌های حرفه‌ای خود و انتظام بخشیدن به روابط بین اعضا، مجاز است ضوابط و استانداردهای حرفه‌ای و انضباطی را که لازم می‌داند، با رعایت قانون، وضع و اجرا کند. ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون بازار نیز بورس‌ها، کانون‌ها، بازارهای خارج از بورس و شرکت‌های سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه و جوه را از مصادیق تشکل‌های خودانتظام در بازار اوراق بهادار ایران معرفی نموده و تعیین سایر مصادیق را برعهده شورای عالی بورس و اوراق بهادار قرار داده است. از این حیث، افزون بر صلاحیت مراجع بالادستی بازار (شورای عالی و سازمان بورس و اوراق بهادار)، صلاحیت تشکل‌های خودانتظام تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار از مراتبی است که ابزارهای نظارتی و حمایتی مقتضی را محقق نموده، می‌تواند تسهیل‌کننده اهداف دعاوی جمعی باشد؛ زیرا با توجه به اینکه خودانتظامی، یکی از انواع تنظیم‌گری در برابر تنظیم‌گری حاکمیتی یا دولتی و از شیوه‌های کارآمد برای اعمال کنترل صنفی یا حرفه‌ای است که از طریق تفویض طیفی از اختیارات در جریان مقررات‌گذاری و اعمال کنترل برای منافع گروهی صورت می‌گیرد (Ansari, Esaiasi Tafreshi and Hosseini, 2013: 150)، امکان انتقال برخی وظایف تنظیمی و یا نظارتی در حوزه معین را مهیا می‌سازد که در نتیجه شامل حضور فعال‌تر سرمایه‌گذاران خواهد بود؛ به‌گونه‌ای که به‌موازات وضع و اجرای استانداردهای

حرفه‌ای و تخصصی، امکان واکنش سریع‌تر ذی‌نفعان به تحولات بازار و روزآمدی ضوابط فراهم می‌شود (Sadeghi, 2017: 144).

به‌طور کلی هدف از نظارت مالی، تحقق نظم عمومی معاملات، حمایت از سرمایه‌گذار، التزام بازیگران به رفتار حرفه‌ای، کارایی و رقابت است (Di Giorgio, 2001: 1). از حیث اهداف تعیین‌شده در ماده ۲ قانون بازار اوراق بهادار نیز به‌طور خاص هدف از نظارت در بازار اوراق بهادار حمایت از ذی‌نفعان (سرمایه‌گذاران و به‌ویژه سهام‌داران خرد) در برابر رفتارها و تصمیم‌های سایرین است. بنابراین، پیشگیری از جرایم و تخلفات، نظارت بر معاملات بازار، کمک به جبران خسارت سرمایه‌گذاران، الزام به افشای اطلاعات، طرح شکایت و دعوی کیفری نزد مراجع قضایی، ارشاد یا حمایت حقوقی و فعالیت‌های آموزشی از جمله نقش‌هایی است که مقامات بازار اوراق بهادار می‌توانند در کسوت تحقق حقوق سرمایه‌گذاران ایفا نمایند. وانگهی، برخورداری بازارهای اوراق بهادار از سازوکارهای حرفه‌ای و متشکل، عیوب و کاستی‌هایی را که از حیث زمینه‌سازی برخی فرصت‌طلبان به‌منظور اخاذی و گروکشی از تولیدکنندگان و نهادهای دارای حسن نیت درخصوص دعوی جمعی مطرح می‌شود (Mohseni, Ghafari Farsani & Shooshinasb, 2012: 162)، پوشش داده یا مرتفع می‌نماید؛ زیرا به سبب اینکه نهادی مستقل و حرفه‌ای در کسوت تشکل خودانتظام متولی طرح و پیگیری دعوی جمعی می‌شود، به علت برخورداری از نظامات کنترل داخلی امکان اقامه دعوی واهی یا کم‌اهمیت کاهش یافته یا اساساً چنین دعوایی مطرح نمی‌شود. حتی این ظرفیت ساختاری و نهادی بازار سرمایه به فروکاهیدن هزینه‌های مالی منجر شده، به دلیل دسترسی نهادهای حرفه‌ای بازار به بسترهای معاملاتی و نظارتی، باعث ایجاد رویه‌های تکمیلی (مثل تعقیب حقوقی، کیفری و انتظامی در موضوعاتی از جمله دست‌کاری بازار، استفاده از اطلاعات نهانی یا فعالیت متقلبانه) و اصلاح‌گری در فرایندها (از لحاظ سازش، میانجیگری یا سایر روش‌های ترمیمی) نیز خواهد بود که از موجبات تسهیل روش‌های جایگزین حل‌وفصل دعوی در جهت انطباق بیشتر بازار سرمایه کشور با معیارهای بین‌المللی است (Nikbakht & Sadeghi, 2021: 235 & 253).

با مفروضات پیش‌گفته، معطوف به ساختارگرایی و نهادگرایی حاکم بر بازارهای مالی و با تأمل در مفهوم و کارکرد دعوی جمعی درخواستیم یافت که اقامه دعوی جمعی ضرورتاً از سوی مرجعی صورت می‌گیرد که ابزارهای حقوقی و نظارتی مناسب، کافی و مؤثری در خصوص شرایط ذی‌نفعان داشته باشد. مهم‌ترین مراجعی که می‌توان به‌عنوان مقام ذی‌صلاح در اقامه دعوی جمعی متصور شد، عبارت‌اند از: سازمان بورس و اوراق بهادار و تشکل‌های خودانتظام (به‌ویژه کانون‌ها)؛ مثلاً چنانچه تعداد زیادی از سهام‌داران یک ناشر مترصد طرح دعوا علیه شرکتی که از تأدیة سود ممانعت می‌ورزد باشند، از حیث امکان اقامه دعوی جمعی، مراجع نهادی (اعم از نهاد ناظر و کانون مربوط) می‌توانند به نمایندگی از

سهام‌داران مبادرت به طرح دعوا نزد مرجع صلاحیت‌دار (هیئت داورى موضوع مواد ۳۶ و ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار) نمایند.

۳.۲. اصل تکلیفی و آمره حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران

یکی از اصول کلی حاکم بر فعالیت در بازار اوراق بهادار، اصل نظارت و حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران است (Sadeghi, 2022: 68-91; Abdipour, 2017: 101-114)؛ به طوری که نهاد ناظر نسبت به تخلفات اشخاص تحت نظارت از قوانین و زیان یا تحصیل ناروای سرمایه‌گذاران بی تفاوت نیست. مبنای حقوقی مطالبه‌گری مقامات بازار از فعالان متخلف در بازار، حمایت از حقوق سرمایه‌گذار است که تشابه و تقارن زیادی با حمایت از حقوق مصرف‌کننده دارد.

بنابه اطلاق ماده ۲ قانون بازار اوراق بهادار، چون جنس فعالیت مقامات بازار در این مورد اقتضای رعایت مسائل حاکمیتی و حرفه‌ای همسو با نظم عمومی بازار را دارد، تردیدی نیست که برای نهاد ناظر حق طرح دعوی مرتبط با صلاحیت تشخیصی و تفویضی متصور است؛ با این شرایط که اولاً بنابه قاعده «ملازمه اذن در شیء با اذن در لوازم آن»، لازمه حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران که در ماده اخیر تصریح شده، دستیابی به ابزارهای حقوقی و اجرایی است که از جمله این ابزارها می‌توان به امکان طرح دعوی حقوقی اشاره کرد. ثانیاً هرچند مراجعی مثل سازمان بورس یا کانون‌ها بازیگر بازار نیستند، لکن عمل آنها مصداقی از فعالیت حرفه‌ای محسوب شده، از حیث تشخیص صلاحیت ذاتی مرجع رسیدگی حسب مورد می‌تواند موضوع ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار باشد. از همین جهت است که ماده ۱۵ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید (مصوب ۱۳۸۸) با وجود مقوله و شرط ذی‌نفعی در طرح دعوا وفق اصول پذیرفته‌شده در آیین دادرسی مدنی و در جهت حل چالش‌های ناشی از طرح دعوی مستقل از سوی هریک از سرمایه‌گذاران و شکل‌گیری دعوی متعدد یا کثیر و با نتایج غیریکسان - (Soltani, 2017: 335) برای سازمان (به‌عنوان حمایت‌کننده حقوق و منافع سرمایه‌گذاران) حق طرح دعوا نزد هیئت داورى متصور شده است. با وجود مجوز خاص ماده اخیر، به استناد اطلاق ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار چنین حقی به دعوی سود اوراق بهادار محدود نبوده، هر نوع دعوی حقوقی مترتب و مشمول بر عنوان فعالیت حرفه‌ای ناظر به نظم عمومی بازار و حمایت از حقوق و منافع سرمایه‌گذاران را نیز ممکن است دربر گیرد (Kaviani & Sadeghi, 2018: 29-30)؛ برای نمونه، درخصوص قابلیت مطالبه خسارت ناشی از دست‌کاری بازار یا عناوینی از این قبیل (به‌عنوان مسئله‌ای که وفق فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار ابزارهای اثبات موضوع و طرح دعوی کیفری به‌عنوان شاکی در اختیار انحصاری سازمان بورس و اوراق بهادار قرار دارد) مبتنی بر دعوی جمعی نیز ضرورت ورود مقام بالادستی بازار

انکارناپذیر است. زیرا در این موضوع، از سویی، سازمان بورس به‌عنوان مرجع نظارتی از ابزارهای کنترل و نظارت متعددی برخوردار است که دستگاه یا اشخاص دیگری از این موقعیت قانونی برخوردار نیستند. از طرف دیگر، بنابه تکلیف سازمان بورس در جمع‌آوری ادله و مستندات یا طرح شکایت نزد مراجع صلاحیت‌دار و به‌فراخور تفسیری که از مواد ۴۶، ۴۹ و ۵۱ و منطوق ماده ۵۲ قانون یادشده خواهد شد، مطالبه خواسته‌ای دال بر خسارت ناشی از دست‌کاری بازار را منوط به طرح موضوع یا ارائه مستندات از سوی سازمان بورس خواهد بود و در فرضی که سازمان به تصور یا تشخیص اینکه موضوع فاقد جنبه مقتضی جهت پیگیری است، آن را پیگیری نکرده، به تبع آن، حقوق خواهان‌های خصوصی و خرد محقق نخواهد شد و اگر هم خواهان با چنین مانعی مواجه نشود، به سبب تخصصی بودن مسئله و نبود پتانسیل‌ها و ابزارهای تخصصی در رسیدگی به دعاوی یادشده نزد مراجع عمومی، دعوای او با توفیق چندانی همراه نخواهد شد؛ چراکه یا مراجع یادشده به سبب عدم اشراف فنی (از حیث فقدان مستندات متقن از سوی خواهان) چنین دعوایی را استماع نخواهند کرد و یا در صورت پذیرش، تخصص و ابزار اثباتی چندانی در شناخت جوانب آن نخواهند داشت. از این رو، چنین فرایندی به سردرگمی ذی‌نفعان منجر می‌شود (Abdipour, Sadeghi & Ghanbari, 2018: 63-64) و خصوصاً از این منظر که حتی برآورد میزان خسارت نیز بسته به انجام محاسبات نهاد ناظر بازار اوراق بهادار است، جز با دخالت مرجعی نظارتی (و دارای اختیار ناشی از نمایندگی جمعی سرمایه‌گذاران) مرتفع نخواهد شد. از این جهت، بازارهای اوراق بهادار اگرچه از مؤلفه‌های مهمی در طرح و تعقیب دعاوی جمعی برخوردارند، اما گاه در عمل مصادیق مقابله عمومی و مقابله خصوصی نهاد ناظر بازار سرمایه ایران با ناهنجاری‌ها، به موارد کیفری یا انضباطی محدود شده، مطالبه خصوصی و دعوای حقوقی ناشی از این موارد به حاشیه رفته یا اینکه نادیده گرفته شده است (Piri, 2020: 354-355).

علاوه بر موضع قانونی و حقوقی در کشور ما بر اساس ملاحظات پیش‌گفته، در برخی دیگر از نظام‌های حقوقی، طرح دعاوی جمعی از سوی نهادهای داخلی بازار به رسمیت شناخته شده است. برای مثال، برابر ماده ۲۰۰ قانون بازار سرمایه مالزی، «کمیسیون اوراق بهادار» در صورت احراز تخلفات موضوع مواد ۱۷۵ تا ۱۸۱ آن قانون (مواردی نظیر احراز دست‌کاری، ترغیب متقابلانه افراد به معامله، معاملات صوری و کاذب، اظهارات گمراه‌کننده و اطلاعات فریبنده، تقلب و ...)، اختیار طرح دعوای مدنی در دادگاه علیه متخلف را دارد و اگر تشخیص دهد اقامه دعوا واجد نفعی عمومی است، به این مهم مبادرت می‌ورزد. کمیسیون پس از أخذ حکم به نفع ذی‌نفعان، وجوه دریافتی را از طریق صندوق جبران خسارت به ذی‌نفعان پرداخت خواهد کرد. همچنین، وفق قانون اصلاح دعاوی شخصی اوراق بهادار^۱ در ایالات متحده (مصوب ۱۹۹۵)

1. The Private Securities Litigation Reform Act of 1995.

موضوعات مبتنی بر هرگونه تقلب در فعالیتهای حرفه‌ای بازار اوراق بهادار در زمره عناوین مستعد طرح دعوای جمعی برشمرده شده است. همچنین، در کشورهایی مثل فرانسه اگرچه انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان می‌توانند در کلیه موضوعات اعم از کیفی یا مدنی اقامه دعوا کنند، اما نوعاً قلمرو دعوای جمعی مترتب بر حوزه‌های سرمایه‌گذاری، حقوق مصرف‌کننده، محیط زیست و خرید اوراق بهادار گردیده است (Mohseni, Ghafari Farsani & Shooshinasb, 2012: 166).

۳.۳. برخورداری بازار اوراق بهادار از نهادهای حقوقی و حمایتی

دادرسی اختصاصی یکی از شیوه‌های رسیدگی در خارج از مراجع قضایی است که بروز و ظهور این چارچوب، در نهادها و تشکلهای خودانتظام بازار اوراق بهادار آشکارتر است. در پی مزایا و سهولت‌های ناشی از دادرسی‌های جایگزین، گرایش قابل‌توجهی در نظام‌های حقوقی دنیا برای ارجاع دعوی به خارج از دادگستری و در قالب‌های همچون نمایندگی‌های اداری، دادگاه‌های اختصاصی، داوری و سایر شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف دیده می‌شود (Mohseni, 2019: 165).

هدف از امکان طرح دعوای جمعی از مجرای نهادهای دادرسی اختصاصی بازار سرمایه، پیگیری مطالبات زیان‌دیدگان به نحوی کیفی و کم‌هزینه، ایجاد بازدارندگی نسبت به متخلف و منتهی شدن به نتیجه سریع و لازم‌الاجراست که رجوع به سوابق لوایح قوانین حاکم بر بازار سرمایه نیز بر آن صحنه می‌گذارد.^۱ فارغ از سایر زمینه‌ها و مسائل حقوقی مطروح نسبت به مناسبات دادرسی اختصاصی با صلاحیت عام دادگستری - که طرح آن از حوصله و موضوع این نوشتار خارج است - دستیابی به این اهداف، با تحقق دادرسی اختصاصی مقرون به فایده خواهد بود؛ زیرا طرح دعوا (از جمله دعوای جمعی) در دادگاه‌های عمومی به جهت پراکندگی کارها، غیرتخصصی بودن محاکم و فرایندهای پیچیده دادگاه‌های عمومی به‌ویژه قواعد شکلی قانون آیین دادرسی مدنی، عملاً دعوای جمعی را از شتابندگی و بازدارندگی فروکاسته و آن را به یک دعوای دسته‌جمعی (با خواهان‌های متعدد بدون تبعیت از احکام دعوای جمعی) تبدیل کرده است. لذا اگرچه هدف اصلی از تدوین اصول آیین دادرسی مدنی، کاستن از هزینه‌ها، پیچیدگی‌ها و اطاله دادرسی است، اما در هر صورت آیین دادرسی مدنی تاب حرکتی شتابنده در دعوای تجاری به‌ویژه دعوی مربوط به بازارهای اوراق بهادار را ندارد (Shaygan, 2016: 29). لذا صلاحیت اختصاصی مراجع و ارکان شبه‌قضایی بازار سرمایه (از جمله شعب یا مراجع ویژه رسیدگی به اختلافات، نهادهای اصلاحگر یا ترمیمی، صندوق‌های حمایت و انصاف، مراجع و نهادهای رسیدگی به تخلفات و مقامات تعقیب یا تحقیق) که حسب قانون تکالیفی دارند، فرصت مناسبی برای اقامه دعوای جمعی

۱. نک: مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۱، جلسه ۲۲۰، صص ۲۵ به بعد.

به منظور حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و تقلیل چالش‌های حقوقی بازار اوراق بهادار از حیث احقاق حقوق سهام‌داران خرد به نظر می‌رسد.

۴. زمینه‌های قانونی طرح دعوای جمعی در مقررات عمومی کشور

اگرچه کشورهای غربی دعوای گروهی را شامل طیفی از دعوای مطالبه خسارت، درخواست صدور دستور منع یا الزام به انجام عمل معین و مواردی از این قبیل که بر نوعی ضرر جمعی دلالت دارد می‌دانند (Safari and Haji Azizi, 2019: 73-78; Tahmasebi, 2017: 230) اما در حقوق موضوعه ایران، فارغ از مقوله تجمیع دعوای در یک رسیدگی یا رسیدگی‌های توأمان، دعوای جمعی به رسمیت نرسیده و به‌رغم عدم تصریح یا حتی عدم تعیین قابلیت آن به‌مثابه یک قاعده کلی (Mohseni, Ghafari, Farsani and Shooshinasb, 2012: 172) آثار و مصادیقی از پذیرش تلویحی این نوع دعوای که اغلب مترتب بر صنف شکایت و تعقیب جزایی است - در برخی قوانین به‌طور پراکنده به چشم می‌خورد: الف) قانون تجارت الکترونیک، ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۷ دی ۱۳۸۲ اشعار می‌دارد: «سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده می‌توانند به‌عنوان شاکی اقامه دعوا نمایند». ماده ۲ آیین‌نامه ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۲ مرداد ۱۳۸۴ هیئت وزیران نیز مقرر می‌دارد: «سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از مصرف‌کننده می‌توانند در موارد زیر و به ترتیب پیش‌بینی شده در این آیین‌نامه، مبادرت به طرح شکایت در مراجع قضایی یا سایر مراجع صلاحیتدار نماید: الف - به تقاضای مصرف‌کننده متضرر؛ ب - به تقاضای یک یا چند مصرف‌کننده در حالی که تعداد کثیری از مصرف‌کنندگان ضرر مشترکی را متحمل شده‌اند؛ ج - اقدام مستقل سازمان بدون تقاضای شاکی خصوصی».

ب) قانون آیین دادرسی کیفری. در موادی از این قانون از جمله مواد ۱۱، ۴۳، ۷۱، دادستان از جانب بزه‌دیدگان - اعم از آنکه بزه‌دیده یک شخص یا اشخاص متعدد یا جامعه باشد و یا آنکه طفل یا مجنون باشد که ولی یا سرپرست او اقدامات قانونی را انجام نمی‌دهد - طرح شکایت می‌کند. همچنین، در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴ اسفند ۱۳۹۲ با این تصریح که «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند»، به برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد اختیار طرح دعوای کیفری اعطا شده است.

ج) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان. وفق مواد ۹، ۱۲ و ۱۴ مصوب ۱۵ مهر ۱۳۸۸ و مفاد آیین‌نامه اجرایی همان قانون (موضوع مصوبه شماره ۱۷۳۷۲۰/ت۴۵۳۴۱ مورخ ۲ آذر ۱۳۹۰ هیئت وزیران)، سازمان حمایت و انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان می‌توانند به حمایت از مصرف‌کنندگان زیان‌دیده ناشی از خرید کالاهای معیوب، فاسد، پرخطر و ... اقدامات قانونی حمایتی را به طرفیت عامل زیان انجام دهند. حُسن این مقررات، اختیارات مقتضی برای تهیه گزارش و ارسال به سازمان تعزیرات حکومتی برای جریمه کردن شخصی است که حقوق مصرف‌کنندگان را رعایت نکرده است؛ با این توصیف که گرچه این قانون دربرگیرنده مجوز صریحی جهت اقامه و اداره دعوی جمعی نیست، اما به نظر می‌رسد قانون‌گذار، اصل نمایندگی سازمان از زیاندیدگان را به رسمیت شناخته است.

۵. نتایج مترتب بر طرح دعوی جمعی در بازار اوراق بهادار

۵.۱. اقامه دعوی جمعی نزد هیئت داورى بورس به اقتضای صلاحیت ذاتی این مرجع

به موازات و علاوه بر مصادیق قانونی مترتب بر امکان طرح دعوی جمعی از سوی نهاد ناظر بازار سرمایه یا تشکلهای خودانتظام در این بازار از قبیل طرح دعوا به منظور پرداخت سود سهام سهام‌داران یا طرح دعوی مطالبه خسارت ناشی از دستکاری بازار که در جای خود بحث شده، در اجرای حکم ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار، به‌عنوان نمونه واقعی اقامه دعوی جمعی به نیابت از بازار می‌توان به موضوع دادنامه شماره ۹۸۰۹۱۰۱۰۲۵۰۸۰۱ مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ هیئت داورى بورس اشاره کرد. خواسته دعوی مدنظر، اعلام بطلان قرارداد شماره میان شرکت ... و شرکت ... مقوم به ۴۸۱۷۱۲/۱۴۸۲۶۵۱۰ ریال است که سازمان بورس و اوراق بهادار علیه دو شرکت (خواندگان) طرح نموده است. اجمالاً موضوع این اختلاف حکایت از آن دارد که به‌موجب تکلیف مصرح در ماده ۲ و بند ۱۱ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ مبنی بر حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و ساماندهی و حفظ توسعه بازار شفاف به‌عنوان متولی بازار سرمایه، سازمان قرارداد موضوع دعوا را منافی با حقوق سهام‌داران و مخالف با قوانین و مقررات آمره بازار اوراق بهادار دانسته و به استناد بند «ب» ماده ۹۹ قانون برنامه پنجم توسعه و بند «ب» ماده ۳۶ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مدعی شده که در جریان معامله یادشده، علی‌رغم آنکه متعاقب صدور نامه شماره شرکت ... به‌عنوان فروشنده به شرکت بورس اوراق بهادار تهران در تاریخ قطعیت معامله اعلام شده است، لکن شرایط معامله به‌موجب قراردادی جداگانه تغییر یافته و به تبع آن، برخی اشخاص از دایره رقابت احتمالی خارج شده‌اند و با عنایت به عدم رعایت ترتیبات مقرر در آگهی عرضه، عملاً ضوابط دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات در بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳ آذر ۱۳۸۹ رعایت نشده است. این اقدام متعاملین موجب عدم تحقق شفافیت مدنظر مقنن و خروج متقاضیان بالقوه رقابت به جهت عدم

اطلاع از شرایط جدید و تزییع حقوق آنها گردیده است. از این حیث، چنانچه توافق یادشده به اطلاع بورس می‌رسید، مفاد آگهی عرضه و درخواست اعلام قطعیت معامله به جهت عدم رعایت این قوانین از سوی ناظر بازار (بورس) پذیرفته نمی‌شد. در خاتمه دادخواست، با ادعای اینکه اقدامات متعاملین با هدف دور زدن قوانین آمره و مقررات بوده، به استناد مواد مورد اشاره و همچنین مواد ۱۰ و ۱۹۰ قانون مدنی، صدور حکم مبنی بر اعلام بطلان قرارداد خواسته گردیده است.

۵.۲. نوع نمایندگی اقامه‌کننده دعوی جمعی از ذی‌نفعان

با امعان نظر به حکم ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، یکی از موضوعاتی که از حیث نظری و عملی مهم به نظر می‌رسد، رابطه حقوقی اقامه‌کننده دعوی جمعی با ذی‌نفعانی است که دعوا از طرف آنها اقامه می‌شود. خواهان دعوا - به نحوی که ناشی از فرض اثبات دعوا، نفع معقولی نصیب او می‌گردد - یا اصالتاً ذی‌نفع در دعواست و یا آنکه بنابه یکی از روابط حقوقی، سمتی را به نمایندگی از ذی‌نفع اصلی دارا شده و واجد سمت در دعواست (Shams, 2014, Vol.1: 280-286). در مواردی که دادخواست از سوی غیراصیل تقدیم می‌شود، نمایندگی وی ممکن است قانونی (قهری)، قراردادی یا قضایی باشد. در مورد دعوی جمعی، اقامه‌کننده دعوا (اعم از سازمان، مؤسسه، رکن نظارتی و ...) نمایندگی قضایی از ذی‌نفعان ندارد، زیرا نمایندگی قضایی منحصر در موارد مصرح در قانون است که دادگاه ذیل حکم، نماینده شخص را مشخص می‌کند (مانند قییم و مدیر تصفیه)؛ در حالی که اقامه دعوی جمعی از ناحیه ذی‌نفعان، مسبوق به حکم قضایی نیست. در خصوص دو نوع نمایندگی باقی‌مانده پرسش آن است که منشأ اختیار سازمان یا تشکل خودانتظام در طرح دعوا، إذن زیان‌دیده است یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا شرط احراز نمایندگی سازمان حامی زیان‌دیدگان، احراز توکیل و اعطای نمایندگی یا ارائه سمت قراردادی در اثنای ثبت شکایت و اعتراض نزد آن مقام است یا آنکه رکن حامی رأساً می‌تواند از ناحیه همه زیان‌دیدگان اقامه دعوا نماید، ولو بدون إذن یا اطلاع زیان‌دیده؟ ماهیت این نوع نمایندگی در نظام حقوقی امریکا امری پذیرفته‌شده است، اما در کشورهای رومی - ژرمنی و ایران دشواری‌هایی به‌همراه دارد. برای مثال، در فرانسه یکی از دلایل عدم پذیرش دعوی جمعی امریکایی، نمایندگی خودانتخابی است؛ زیرا در حقوق فرانسه، هیچ‌کس نمی‌تواند بدون إذن صریح یا ضمنی دیگری از طرف او اقامه دعوا کند. در این خصوص به‌نظر می‌رسد باید در یک گام عقب‌تر، بحث را به‌صورت مبنایی مدنظر قرار دهیم. آیا ارکان حمایتی اقامه‌کننده دعوی جمعی باید در قانون احصا شده، محصور باشند، یا هر نهادی که عرفاً و نوعاً متولی صنف و گروهی تلقی می‌شود، می‌تواند اقامه دعوا کند؟ بدیهی است در فرض نخست (یعنی اعتقاد به اینکه صرفاً اشخاصی که به‌موجب قانون، حق اقامه دعوی جمعی دارند)، نوع نمایندگی این مجریان از ذی‌نفعان، «نمایندگی قانونی» است و قانون حق و بلکه تکلیف پیگیری حقوق ذی‌نفعان

را به مجری محول کرده است (نظیر سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کننده، دادستان و ...). اما اگر مجری دعوای جمعی را منحصر در مجریان مصرح در قانون ندانیم، در این صورت به نظر می‌رسد نمایندگی اقامه‌کننده دعوای جمعی از زیان‌دیده، نمایندگی قراردادی و متکی بر إذن (اعم از خاص یا عام) است؛ زیرا به اعتقاد برخی نویسندگان، اصل عدم ولایت در نظام حقوقی ایران سبب می‌شود پذیرش دعوای جمعی بدون اعطای نیابت از ناحیه ذی‌نفعان به اقامه‌کننده دعوا با مشکلات شکلی و ماهوی مواجه گردد (Safari, Moludi & Haji Azizi, 2020: 111-112). برخی دیگر نیز بیان می‌دارند که نمایندگی در دعوای جمعی در هر صورت مستلزم إذن است، حتی اگر قانون اختیار اقامه دعوای جمعی را به آن نهاد یا سازمان اعطا کرده باشد؛ زیرا اقامه دعوا در هر مورد باید به یکی از اشخاص حقیقی سازمان یا وکیل آن سازمان محول شود که این خود مستلزم تصویب در اساسنامه شرکت یا مصوبه مجمع عمومی یا هیئت مدیره است. لذا در هر صورت در نظام حقوقی ایران، نمایندگی در دعوای جمعی، از اعطای نیابت و ایدان بی‌نیاز نخواهد بود (Soltani-Nejad, 2016: 117). در فرض اخیر، به نظر می‌رسد احصای اقامه‌کنندگان دعوای جمعی و حصری بودن آنان سبب می‌شود باب دعوای جمعی و مزایای آن در موارد غیرمنصوص بسته شود و عملاً بسیاری از ذی‌نفعان حق اقامه دعوای جمعی را به سبب عدم تصریح بر نام نهاد حامی و متبوع وی در قانون، از دست بدهند. برای مثال، ماده ۲۷۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت بیان می‌دارد: «هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود حسب مورد بنا به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلام خواهد شد لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند». همچنین، وفق ماده ۲۷۶ لایحه قانونی یادشده: «شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آن‌ها حداقل یک‌پنجم مجموع سهام شرکت باشد می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل اقامه دعوا نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آن‌ها مطالبه کنند ...». از جمع دو ماده پیش‌گفته چنین استنباط می‌شود که اراده قانون‌گذار ناظر به این مهم بوده است که در پی تخلف مدیران شرکت، حق اقامه دعوا را به جمعی از زیان‌دیدگان و ذی‌نفعان یک شرکت اعطا نماید و به عبارت دیگر، قانون تجارت بی‌آنکه نام دعوای جمعی را استعمال کند عملاً با اعطای حق اقامه دعوا به یک‌پنجم از سهام‌داران ذی‌نفع، این نوع از دعوا را که البته دعوای اقلیت قلمداد می‌شود، به رسمیت شناخته است. اما درخصوص صلاحیت قانونی مراجعی مثل سازمان بورس و اوراق بهادار در طرح این نوع دعوا یا دعوای ناشی از عدم رعایت صرفه و صلاح سهام‌داران (موضوع ماده ۲۵۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت) همچنان تردیدهایی وجود دارد.

۵.۳. قابلیت طرح دعوای جمعی نزد محاکم عمومی قضایی یا مراجع رسیدگی به تخلفات انتظامی

علی‌رغم تردیدهای موجود ناظر به میزان صلاحیت قانونی و سمت یا ذی‌نفعی سازمان بورس و اوراق بهادار در جهت پیگیری و اعمال مفاد مواد ۲۷۰، ۲۷۶ و ۲۵۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، در قانون بازار اوراق بهادار برخی قیود و شرایط مدنظر قرار گرفت که با تأسی از روح و دلالت آنها می‌توان شرایط اقامه دعوای جمعی از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار را (علاوه بر دلالت ماده ۲ قانون یادشده و ماده ۵۲ در خصوص جرایم و امور کیفری) فراهم دانست. این موارد عبارت‌اند از:

- ۱) بند ۸ ماده ۷ مبنی بر «اتخاذ تدابیر لازم جهت پیشگیری از وقوع تخلفات در بازار اوراق بهادار»؛
- ۲) بند ۹ از همان ماده حاکی از «اعلام آن دسته از تخلفات در بازار اوراق بهادار که اعلام آن‌ها طبق این قانون برعهده سازمان است به مراجع ذی‌صلاح و پیگیری آن‌ها»؛
- ۳) با امعان نظر به بند ۷ ماده مرقوم ناظر به «تصویب اساسنامه بورس‌ها، کانون‌ها، نهادهای مالی و شرکت‌های سهامی عام ثبت‌شده نزد سازمان و الزام آن‌ها به تطابق اساسنامه‌های خود با آن»، می‌توان امکان حق طرح دعوای جمعی را در اساسنامه مربوط پیش‌بینی نمود و به تصویب مجمع عمومی نیز رساند. موضوع دیگر مدنظر در بحث حاضر از این قرار است که دعوای جمعی با اوصاف و تعاریفی که دارد آیا به هر سه دسته از دعوای (حقوقی، کیفری و انتظامی) تسری دارد و همه انواع دعوای بازار اوراق بهادار را منصرف از صنف و نوع آن می‌توان از طریق دعوای جمعی پیگیری نمود یا آنکه تنها اختصاص به دعوای حقوقی واجد شرایط دارد؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توان به هدف و شرایط اقامه دعوای جمعی مراجعه کرد و بررسی نمود که آیا ملاک و مناط واحدی برای دعوای سه‌گانه جهت طرح دعوای جمعی وجود دارد یا موضوع دعوا، اصل یا جزئیات طرح دعوای جمعی را با تفاوت‌هایی همراه می‌سازد. علاوه بر مصداقی که در مباحث سابق در خصوص مطالبه خسارت ناشی از دست‌کاری بازار اشاره شد، برای درک بهتر این گزاره، نمونه‌های زیر را به‌عنوان مثال‌های حائز اهمیت و مؤثر بر قابلیت طرح دعوای جمعی نزد دادگاه‌های عمومی قضایی (شامل جهات کیفری یا جنبه‌های خصوصی ناشی از جرم) یا مراجع رسیدگی به تخلفات مورد تأکید قرار می‌دهیم:

۱- چنانچه یک ناشر از پرداخت سود مصوب وفق ماده ۲۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت امتناع ورزد، از طریق ماده ۱۵ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید دعوای گروهی مطالبه سود سهام به طرفیت ناشر قابلیت اقامه را دارد. این عنوان خواسته به‌صورت بالقوه به‌عنوان بارزترین مصداق در طرح دعوای جمعی است، اما منحصر به آن نبوده، می‌تواند شامل سایر موارد مشابه (ازجمله مسائل راجع به شرکت‌های سرمایه‌پذیر سهام عدالت و دعوای کثیرالشاکی مربوط به ناشران پذیرفته‌شده یا درج‌شده در بورس) نیز باشد. مثلاً در تحلیلی که از پایگاه حقوقی دعوای جمعی استنفورد در خصوص تخلفات گسترده

شرکت‌های بورسی نقل شده، ادعا شده است که مطالبه خسارات ناشی از افت شدید سهام در شرکت‌های بورسی، بعید است که جز با طرح دعوی جمعی به جمع‌بندی و موفقیت بینجامد (Karpoff, 2017: 22). در باب اهمیت مطالبات خصوصی سهام‌داران بورسی، یکی از نویسندگان گزارش نمود که ۴۷ تا ۴۸ درصد دعاوی جمعی ایالات متحده آمریکا، ناشی از مطالبات اوراق بهادار است (John C. Coffee, 2006: 9). برابر بند «م» ذیل تبصره ۵ قانون بودجه ۱۴۰۱ کل کشور نیز «کلیه ناشرین ثبت‌شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار موظفند جهت تسهیل امور سهامداران، سود تقسیمی مصوب مجمع عمومی را با همکاری شرکت سپرده‌گذاری مرکزی و تسویه و جوه از طریق سامانه جامع اطلاعات مشتریان (سجام) به سهامداران پرداخت نمایند. مدیران متخلف از اجرای این حکم با شکایت سازمان بورس و اوراق بهادار به انفصال از خدمت در دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های سهامی عام به مدت شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. سازمان بورس و اوراق بهادار موظف است بر اجرای این بند نظارت کند».

۲- ماده ۵۶ دستورالعمل آیین رسیدگی به اختلافات در هیئت داورى قانون بازار اوراق بهادار که در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۹۸ به تصویب هیئت مدیره سازمان بورس رسیده و متعاقباً (مورخ ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳) کلیت دستورالعمل ملغی گردید که حکایت از اراده مقام ناظر بازار سرمایه ایران در تحقق دعوی جمعی در طول سال‌های اعتبار مصوبه داشته است. به موجب این ماده که موضوع دعوی دادنامه شماره ۹۸۰۹۱۰۰۱۰۲۵۰۸۰۱ هیئت داورى بورس مبتنی بر آن طرح گردیده است: «به منظور حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، در دعاوی حقوقی دارای جنبه گسترده اقتصادی یا در دعاوی متعدد با منشأ واحد (مانند سود سهام)، سازمان می‌تواند با ارائه فهرست ذی‌نفعان موضوع، بدون پرداخت هزینه رسیدگی اقدام به طرح دعوا نماید. در این صورت، طرح دعوی مذکور به منزله اقدام نماینده قانونی ذی‌نفعان می‌باشد».

۳- از این جهت که یکی از مجاری مهم و مصادیق محتمل از حیث امکان اقامه دعوی جمعی، موضوعات راجع به افشای اطلاعات و فرایندهای مربوط است، چنانچه ناشران اوراق بهادار در چارچوب قوانین و مقررات مبادرت به نقض الزامات افشای اطلاعات (مشمول بر عدم افشا، افشای نادرست یا تأخیر در افشا) کنند، طرح دعوی مسئولیت مدنی از مواردی است که ناشران را به تمکین از تکلیف افشای اطلاعات یا جبران زیان‌های ناشی از آن در راستای تحقق عدالت و استیفای حقوق مالی یا غیرمالی سهام‌داران و ادار می‌سازد (Ebrahim, 2017: 162 & 174-175).

۴- شخصی حقیقی با هدف یا تحت لوای مشاوره سرمایه‌گذاری، کانال تلگرام یا کاربری اینستاگرام را ایجاد نموده و مبادرت به سیگنال‌فروشی می‌نماید. در این فرض، با توجه به ماده ۲۸ و بند ۱ ماده ۴۹ قانون بازار که فعالیت این قبیل عناوین را منوط به ثبت در قالب شخصیت حقوقی و فعالیت تحت نظارت سازمان بورس نموده است و از سوی دیگر، ایجاد کانال در فضای مجازی از سوی شخص حقیقی و ارائه

مشاوره یا سبذگردانی خلاف قانون، چنانچه مترتب بر فعالیت مستلزم اخذ مجوز و یا معرفی خود تحت عنوانی که نیازمند اخذ مجوز باشد، می‌تواند جرم تلقی شود (Piri, 2020: 315-316) و در نهایت کلیه افرادی که از قبل دریافت مشاوره و داده‌های ثبت‌شده در کانال یا صفحه منتسب به متهم متضرر گردیده‌اند، می‌توانند علیه مجرم اقامه دعوا (شکایت کیفری) کنند. با لحاظ مقرر ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار در خصوص موقعیت قانونی سازمان بورس و اوراق بهادار و با مذاقه در مبانی و ارکان دعوای جمعی درمی‌یابیم که مانعی برای پیگیری حقوق زیان‌دیدگان از جرم (اعم از حق کیفری و یا حق خصوصی) از ناحیه سازمان نزد دادسرا وجود ندارد؛ زیرا در خصوص جرایم نیز سازمان می‌تواند به نمایندگی از شکات یا به طرفیت آنان، به پیگیری تحت عنوان شاکی یا حتی مطلع مبادرت نماید.

۵- یک کارمند بانک، بازاریاب نهاد مالی یا عناوین دیگری از این قبیل، تحت عنوان سبذگردان، مبادرت به مدیریت پرتفوی بسیاری از سهام‌داران و سرمایه‌گذاران نموده، در نهایت، منجر به خسارت زیادی به افراد متعدد می‌گردد. این اقدام - فارغ از اینکه مبتنی بر قرارداد باشد یا قرارداد رسمی بر آن متصور نباشد - از حیث قوانین و مقررات حاکم، فاقد وصف قانونی در جهت به رسمیت شناخته شدن از سوی مقامات بازار است؛ چراکه وفق ماده ۲۸ و بند ۱ ماده ۴۹ قانون بازار فعالیت بدون مجوز محسوب شده و حتی از منظر مرجع رسیدگی به اختلافات حرفه‌ای (هیئت داور) نیز منتهی به صدور قرار عدم صلاحیت می‌گردد (Kaviani & Sadeghi, 2018: 21-22). خارج از دلایل و جهات این امر از حیث حقوقی و از جهت قضایی و کیفری، عمل شخصی که خود را سبذگردان معرفی کرده، قابلیت تعقیب و شکایت جزایی با صبغه و عنوان دعوای جمعی را دارد؛ چراکه در اغلب دعاوی و موضوعات مترتب بر این عنوان (سبذگردانی غیرمجاز) یا عناوین مشابه (مشاوره سرمایه‌گذاری فاقد مجوز)، خواهان‌ها و شاکیان مدعی خسارت از حیث تعداد و میزان خسارت وارده بیش از حد تصور بوده، امکان اقامه دعوا از طریق جمعی و گروهی وجود دارد.

۶- از جمله موضوعاتی که طبق قانون بازار اوراق بهادار مجرمانه قلمداد می‌شود، عرضه عمومی اوراق بهادار بدون ثبت نزد سازمان بورس و اوراق بهادار یا تأمین مالی از طریق بازار اوراق بهادار خارج از تشریفات آمره مقرر در قوانین و مقررات بازار سرمایه است. وفق ماده ۲۰ قانون بازار اوراق بهادار: «عرضه عمومی اوراق بهادار در بازار اولیه منوط به ثبت آن نزد سازمان با رعایت مقررات این قانون می‌باشد و عرضه عمومی اوراق بهادار به هر طریق بدون رعایت مفاد این قانون ممنوع است». بند ۴ ماده ۴۶ نیز با تصریح به اینکه «هر شخصی که بدون رعایت مقررات این قانون اقدام به انتشار آگهی یا اعلامیه پذیره‌نویسی به منظور عرضه عمومی اوراق بهادار نماید»، عطف به حکم صدر ماده، ضمانت اجرای کیفری مربوط را تعیین کرده است. از این حیث، تعقیب اقدام مجرمانه ناشی از عرضه عمومی اوراق

بهادار بدون ثبت نزد سازمان علاوه بر اینکه وصفی کیفی دارد، مترتب بر خسارت و مطالبه وجه نیز خواهد بود و به صورت بالقوه در ردیف مصادیق ممکن جهت اقامه دعوی جمعی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، در صورتی که عرضه عمومی اوراق بهادار مبتنی بر تشریفات قانونی و مقرراتی بازار باشد ولیکن منجر به خسارت به سرمایه‌گذاران شود، حسب مورد ممکن است مصداق ماده ۴۳ قانون بازار اوراق بهادار شده، موجبات اقامه دعوی جمعی برای این موضوع نیز فراهم و میسر شود.

۶. نتیجه‌گیری

مطالبات و خسارات ناشی از نقض هرگونه تکلیف قانونی مترتب بر فعالیت در بازارهای اوراق بهادار شامل هر موضوعی است که اثر تعقیبی و تکلیفی مبنی بر رسیدگی نزد دادگاه‌های ذیصلاح دارد؛ اعم از اینکه حقوقی یا کیفی باشد یا حتی انتظامی و انضباطی. لذا اگرچه ملاک و تأکید این نوشتار بر مطالبه مترتب بر دعاوی حقوقی است، اما چنانچه شرایط و ارکان اشاره شده در خصوص دعوی جمعی فراهم باشد، می‌توان موضوعات مدنظر را بدون توجه به صنف یا نوع آن از طریق دعوی گروهی پیگیری کرده، به اقتضای آن، حقوق جمعی سرمایه‌گذاران را استیفا نمود. این مسئله با اینکه از حیث مقررات حاکم بر قانون آیین دادرسی مدنی و رویه شکل گرفته در دادگاه‌ها با تردیدها و مقاومت‌هایی روبه‌رو است، لکن براساس روح قوانین حاکم و مؤلفه‌های غایی مرتبط با تشکل‌گرایی و اهداف مندرج در ماده ۲ قانون بازار اوراق بهادار که از جهاتی دلالت بر تعهد و تکلیف دارند، آنها را منطبق بر امکان - بلکه لزوم - حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان بازار می‌نماید. از این جهات، تردیدهای وارد بر اصل پذیرش دعوی جمعی نسبت به دعاوی بازار سرمایه ایران مرتفع می‌گردد؛ این درحالی است که رویه قانونی و قضایی کشورهای دیگر نیز دعوی جمعی و گروهی را امری مقبول و در شمار صلاحیت‌ها یا اختیارات مراجع بالادستی و مقامات بازار سرمایه برشمرده‌اند. پس، در جهت دستیابی و تحقق اهداف مقرر در ماده ۲ قانون بازار اوراق بهادار، نه تنها قابلیت اقامه دعوی جمعی از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار متصور است، بلکه امکان طرح دعا از جانب تشکل‌های صنفی و خودانتظام مانند کانون‌ها و تجویز صریح‌تر در اساسنامه آنها نیز وجود دارد. بنابراین، اقامه دعوی جمعی از سوی مقامات بازار، اولاً هم در راستای نقش تنظیم‌گری و حمایتی بوده و هم مبتنی بر نوعی نمایندگی که برگرفته از قانون و مقررات قانونی است. ثانیاً در کنار مواهب و آثار حقوقی - اقتصادی نهاد دعوی جمعی، اصول و اقتضات بازارهای مالی و شرایط حاکم بر این بازارها از علل موجهه دیگری است که ضرورت حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران بازار اوراق بهادار در قالب طرح دعوی جمعی را تقویت و تشدید می‌نماید. مطالبه سود سهام، خسارات ناشی از دست‌کاری بازار، خسارت‌های مربوط به عدم رعایت الزامات افشا، دعوی ناشی از سهام عدالت، حق خواهی برآمده از فعالیت غیرمجاز از سوی اشخاص، عرضه عمومی اوراق بهادار بدون ثبت نزد

سازمان بورس و اوراق بهادار یا تأمین مالی خارج از تشریفات امره مقرر در قوانین و مقررات بازار سرمایه، موارد رایجی هستند که می‌توانند محمل حقوقی اقامه دعوی جمعی به منظور حمایت از حقوق سهام‌داران در جهت حمایت و معاضدت حقوقی از ذی‌نفعان قلمداد شوند.

References

1. Abdipour, Ebrahim (2017). Analytical Discussions of Commercial Law, 7th Edition, Qom: Hawza and University Research Institute (In Persian).
2. Abdipour, Ebrahim; Mohammad Sadeghi and Fereshte Ghanbari (2018). "Transaction and Legal Litigation Based on Securities Market Manipulation", Encyclopedia of Economic Law, Vol. 25, Issue 14, pp. 45-67. <https://doi.org/10.22067/le.v25i14.69752> (In Persian).
3. Amini, Mansour and Mehdi Shams Shemirani (2023). "Class action litigation in the United States and some European countries with an emphasis on Finland, an experience for Iran", Legal Research, No. 102, pp. 89-112. 10.48308/jlr.2019.160804.1291 (In Persian).
4. Ansari, Ali; Mohammad Esaiasi Tafreshi and Seyyed Milad Hosseini (2013). "Analysis of Legal Framework of Self-regulatory Organizations in Iran' Capital Market with Comparative Study in the US Legal System", Financial Research, No. 2, pp. 149-160. 10.22059/jfr.2013.51074 (In Persian).
5. Cappelli, Morrow and Garth, Brian J. (2019). Civil Procedure Code, Vol. 1, translated by Hassan Mohseni, Tehran: Sahami Publishing Company (In Persian).
6. Di Giorgio, Giorgio and Di Noia, Carmine (2001). Financial Regulation and Supervision in the Euro Area: A Four-Peak Proposal, The Wharton Financial Institutions Center.
7. Ebrahimi, Maryam (2012). "Civil Liability for Violation of Disclosure Regulations in Securities Trading (A Comparative Study of Iran and us Law)", Journal of Securities Exchange, No. 15, pp. 161-189. https://journal.seo.ir/article_10942.html (In Persian).
8. Higgins, Andrew and Zuckerman, Adrian A. S (2013). Class actions in England? Efficacy, autonomy and proportionality in collective redress, LEGAL RESEARCH PAPER SERIES Paper No 93. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2350141>
9. Jaidi, Antonio (2017). "Class Action Law: A Model for Civil Law Countries", translated by Majid Pourastad, Legal Studies, No. 31, pp. 287-309. https://jlr.sdil.ac.ir/article_49869.html (In Persian).
10. John C. Coffee, Jr (2006). Reforming the Securities Class Action: An Essay on Deterrence and Its Implementation, Columbia Law School the Center for Law and Economic Studies, https://scholarship.law.columbia.edu/faculty_scholarship/33/
11. Karpoff, Jonathan M. and Allison Koester and D. Scott Lee and Gerald S. Martin (2017). Proxies and databases in financial misconduct research, The Accounting Review, 92 (6), 129-163, Georgetown McDonough School of Business Research, https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2917524
12. Kashani, Javad (2012). "Class Actions: A Response to the Necessity of a Balance between Primary and Secondary Rules in the Legal System", Journal of Law Research, Year 14, Issue 37, pp. 121-146. https://qjpl.atu.ac.ir/article_2348.html (In Persian).

13. Kaviani, Kourosh and Mohammad Sadeghi (2018). "Legal Criteria for Distinguishing the Title of Professional Activity in the Capital Market", Journal of Judicial Opinions (Studies of Judicial Opinions), Issue 24, pp. 13-33. https://www.raayjournal.ir/article_38522.html (In Persian).
14. Martin, Raymond (2016). Strategic Principles of Civil Procedure, translated by Esmail Shaygan, Tehran: Mizan (In Persian).
15. McGovern, Francis E and Rubenstein, William B, (2020). The Negotiation Class: A Cooperative Approach to Class Actions Involving Large Stakeholders, Texas Law Review, Vol. 99, <https://texaslawreview.org/the-negotiation-class-a-cooperative-approach-to-class-actions-involving-large-stakeholders/>
16. Mohseni, Hassan; Behnam Ghafari Farsani and Nafiseh Shooshinasb (2012). "Class Actions and Their Role in Enforcing Consumer Rights", Journal of Private Law Research, Issue 1, pp. 157-182. https://jplr.atu.ac.ir/article_2220.html (In Persian).
17. Moludi, Mohammad; Bijan Haji Azizi and Nahid Safari (2016). "Study of Transpersonal Rights: A Basis for Collective Lawsuits", Legal Research Quarterly, Volume 19, Issue 808, pp. 273-295. https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56231.html (In Persian).
18. Morabito, Vince (2019). An Evidence-Based Approach to Class Action Reform in Australia: Common Fund Orders, Funding Fees and Reimbursement Payments, Ethical Regulation Research Group Monash University. <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3326303>
19. Nagy, Csongor István (2019). Collective Actions in Europe: A Comparative, Economic and Trans systemic Analysis, University of Szeged, Department of Private International Law, Hungarian Academy of Sciences.
20. Nahrini, Fereydoun and Samad Yousefzadeh (2022). "General Class Action on the Orbit of the Plaintiffs and Their Teammate Persons", Civil Law Knowledge, Year 11, Issue 1, Series 21, pp. 65-78. <https://doi.org/10.30473/clk.2022.44462.2480> (In Persian).
21. Nikbakht, HamidReza and Mohammad Sadeghi (2021). "Resolving professional disputes in Iran's Securities and Exchange Market; Overcoming the Legal Compulsory to alternative methods", Administrative Law Quarterly, Issue 27, pp. 235-255. <https://qjal.smtc.ac.ir/article-1-869-fa.html> (In Persian).
22. Piri, Farhad (2020). Law of Stock Exchanges and Securities with Emphasis on the Law of the Securities Market, Tehran: Jangal Publications (In Persian).
23. Sadeghi, Mohammad (2017). Scope of Competition Law in Competitive and Non-Competitive Markets (Iranian Legal System and Islamic Jurisprudence), Tehran: Majd Publications (In Persian).
24. Sadeghi, Mohammad (2022). The Law of Securities Transactions on Margin Loans, Tehran: Shahr Danesh (In Persian).
25. Sadeghi, Mohammad and Sobhan Abbaspour (2021). "Managing the Accountability of Bankruptcy Crisis in Islamic Economic Law", Civil Jurisprudence Doctrines, No. 23, pp. 173-201. <https://doi.org/10.30513/cjd.2021.112.1026> (In Persian).
26. Safari, Nahid and Bijan Haji Azizi (2019). "A Comparative Study of Collective Damage in the Legal Systems of France, America and Iran", Private Law Research Quarterly, No. 28, pp. 63-91. <https://doi.org/10.22054/jplr.2018.33294.1928> (In Persian).
27. Safari, Nahid; Mohammad Moludi and Bijan Haji Azizi (2020). "Necessities and Obstacles of Acceptance of Class Actions in American Civil law Systems and Iran law",

-
- Journal of Comparative Law, No. 113, pp. 101-126.
<https://doi.org/10.22096/law.2020.44788> (In Persian).
28. Shams, Abdullah (2014). *Advanced Civil Procedure*, Vol. 1, Issue 31, Tehran: Drak Publications (In Persian).
29. Soltani-Nejad, Hedayatollah (2016). "Comparative Study of Collective Damage Compensation in the Common Law Legal System, France and Iran", *Comparative Law Studies*, No. 1, Spring 2016, pp. 103-125.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.22516751.1395.20.1.1.1> (In Persian).
30. Soltani, Mohammad (2017). *Capital Market Law*, 4th edition, Tehran: Samt Publications (In Persian).
31. Tahmasebi, Ali (2014). "A Comparative Study of Class Action Conditions in American and Canadian Law, Lessons for Iranian Law", *Comparative Law Studies*, Year 18, Issue 3, pp. 153-175. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.22516751.1393.18.3.7.7> (In Persian).
32. Tahmasebi, Ali (2017). "Class Action Order in English Law: A Look at American and Iranian Law", *Journal of Comparative Law Studies*, Volume 8, Issue 1, pp. 227-247.
<https://doi.org/10.22059/jcl.2017.62535> (In Persian).
33. Zang, Amy Y (2007). *Evidence on the Tradeoff between Real Manipulation and Accrual Manipulation*, Simon School of Business, University of Rochester, <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.961293>